



**سیمای فراموشی** همیشه درخواست‌های طلاق به دلایل رایجی مثل اعتیاد و مشکلات مالی رخ نمی‌دهد. گاهی اوقات زوج‌ها به خاطر عجیب‌ترین دلایل ممکن راهی دادگاه خانواده می‌شوند تا زندگی‌ای را که با عشق بنا کرده‌اند نابود کنند. در گذشته شاید، در بحرانی‌ترین شرایط، زوج‌ها تصمیم به جدایی می‌گرفتند اما حالا مسائلی نظیر جراحی لاغری، یک شوخی یا همسایگی با مادرشوهر، کار را به طلاق می‌کشاند. در گزارش زیر، عجیب‌ترین دلایل طلاق که در یک سال گذشته در مقابل قضات دادگاه خانواده قرار گرفت را مرور کرده‌ایم.

### ❖ درگیری بر سر تماشای تلویزیون

حمیده و جابر پس از هشت سال زندگی مشترک کارشان به دادگاه خانواده کشیده شد، آن هم بر سر تماشای تلویزیون! مرد جوان همیشه می‌خواست اخبار ببیند و همسرش هم به سریال و فیلم علاقه داشت. در نهایت همین درگیری زندگی این زوج جوان را به دادگاه خانواده کشاند. زن جوان وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، گفت: جابر از صبح تا شب سر کار است؛ وقتی هم برمی‌گردد جلوی تلویزیون می‌نشیند و تا نیمه‌های شب اخبارهای مختلف را دنبال می‌کند. بارها از او خواستم که در کنار هم فیلم ببینیم اما هر بار مستخره‌ام کرده تا این‌که آخرین بار سر این موضوع دعوا کردیم و او تلویزیون را شکست.

### ❖ کمک در دسرساز به مادرزن

در پرونده دیگری، مرد جوان وقتی متوجه شد که همسرش به مادرش گوشت و مرغ داده، جنجال بزرگی به راه انداخت. تا جایی که این زوج جوان پس از سه سال زندگی مشترک راهی دادگاه خانواده شدند تا برای همیشه از هم جدا شوند. مرد جوان که از کمک به مادرزنش ناراضی بود با همسرش درگیر شد. همسرش نیز تصمیم به جدایی گرفت. این مرد به قاضی گفت: مادرزن من در همه این سال‌ها مرتب در زندگی‌مان دخالت کرده و بارها به من گفته بی‌عرضه. حالا چون بدهی بالا آورده و وضع مالی‌اش بد شده من باید گوشت و مرغ خانه‌اش را تأمین کنم؟

### ❖ درخواست طلاق به خاطر همسایگی با مادرشوهر

این بار زن جوان از همسایگی با مادرشوهرش خسته شده بود. برای همین، وقتی با درخواست‌های عجیب مادرشوهرش مواجه شد، تصمیم گرفت برای همیشه به زندگی مشترکش پایان دهد. مادرشوهر این زن از او می‌خواست از همپان هایش پذیرایی کند اما هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که با این درخواست زندگی مشترک

پسرش را نابود می‌کند. این زن وقتی در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت، گفت: از

وقتی مادرشوهرم همسایه ما شده، خواسته‌های بسیار عجیبی دارد. هر روز به هر بهانه‌ای بدون اطلاع قبلی زنگ خانه‌مان را می‌زند، رفت‌وآمدهای مان را چک می‌کند و از ما توقعات بیجا دارد. مادرشوهرم حتی از من می‌خواهد که هروقت برایش مهمان آمد من به طبقه بالا بروم و از آنها پذیرایی کنم.

### ❖ جنجال زوج جوان بر سر ظرف شستن

در پرونده عجیب دیگری زوج جوان راهی دادگاه خانواده شدند تا به خاطر یک دلیل بی‌اهمیت برای همیشه از هم جدا شوند. این زوج بر سر ظرف شستن در خانه، آن قدر با هم دعوا کردند که در نهایت کارشان به کتک‌کاری رسید. زن جوان که به خاطر خشکی شدید پوست دستش دیگر نمی‌توانست ظرف بشوید، وقتی دید شوهرش در این موضوع با او همکاری کند، دعوا به راه انداخت. دعوی که در نهایت این زوج را به دادگاه خانواده کشاند.

### ❖ درخواست بعد از عمل لاغری

زن جوان وقتی عمل زیبایی لاغری انجام داد، هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که این کار به نابودی زندگی مشترکش منجر شود. لاله که بعد از عمل، روز به روز لاغرتر و نحیف‌تر شده بود، با شوهرش سر همین موضوع درگیر شد. امیرعلی اصلاً از این وضعیت لاله راضی نبود و در نهایت دعوی این زوج، به یکی از پرونده‌های عجیب دادگاه خانواده تبدیل شد. مرد جوان گفته بود: لاله تپل بود و من همیشه می‌گفتم هیچ مشکلی با وزنت ندارم. در نهایت با وجود مخالفت، زیر تیغ جراحی رفت و کلی پول هزینه کرد. لاله بعد از جراحی روز به روز لاغرتر شد. چون خودش میلی به هیچ خوراکی ندارد، وقتی خوردنی برای خانه می‌خرم غر می‌زند. آشپزی نمی‌کند. به رستوران نمی‌آید. نسبت به هر غذا و خوراکی بی‌میل است. من هم دیگر از این رفتارهایش خسته شدم.

### ❖ شوهرم شماره مرا بلاک کرد

یک شوخی زندگی زوج جوان دیگری را نابود کرد. مرد جوان وقتی همسرش را به شوخی بلاک کرد، هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که زندگی مشترکش پس از گذشت سه ماه، به دادگاه خانواده

کشیده شود. این زن که به خاطر همین موضوع با شوهرش دعوا کرده بود، در نهایت تصمیم گرفت برای همیشه به زندگی مشترکش پایان دهد. مرد جوان وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه قرار گرفت، گفت: با همسرم چت می‌کردیم و سر یک موضوعی جر و بحث‌مان شد. در این بین من به شوخی گفتم اگر زیاد حرف بزنی بلاکت می‌کنم. او همچنان خیلی جدی داشت بحث می‌کرد. من هم شماره او را بلاک کردم. وقتی به خانه رسیدم، دیدم که سودابه به شدت ناراحت است. اصلاً با من حرف نمی‌زند. تا صحبت کردم، شروع کرد به فریاد زدن و گریه کردن! خیلی تعجب کردم. او به من توهین کرد و در میان صحبت‌هایش گفت که از ازدواج با من پشیمان شده است.

### ❖ طلاق به خاطر ساعت خواب

در پرونده‌ای دیگر زوج جوان به خاطر ساعت خواب‌شان، تصمیم گرفتند که برای همیشه به زندگی مشترک خود پایان دهند. مرد جوان شب‌ها دیر از سرکار به خانه می‌رسید، همسرش نیز شب‌ها زود می‌خوابید و صبح‌های زود هم از خواب بیدار می‌شد. همین باعث شد که این زوج نتوانند زیر یک سقف کنار هم‌دیگر زندگی کنند. آنها به همین دلیل عجیب راهی دادگاه خانواده شدند.

### ❖ دعوی زوج جوان به خاطر خوردن تن ماهی

زندگی ۱۴ ماهه یک زوج جوان پس از خوردن تن ماهی از هم پاشید. این زوج به دادگاه خانواده رفتند و درخواست طلاق دادند. آنها که بر سر خوردن شام با هم درگیر شده بودند، این درگیری در نهایت به یکی از پرونده‌های عجیب دادگاه خانواده تبدیل شد. ماجرا از این قرار بود که یک شب وقتی مرد جوان از سرکار به خانه برگشت، متوجه شد که شام تن ماهی دارند. او نسبت به این غذا غر زد که چرا تن ماهی داریم. آن قدر غر زد که بالاخره همسرش خسته شد و بعد از یک دعوا، در نهایت تصمیم به جدایی گرفتند.

### ❖ درخواست طلاق به خاطر تعمیر لوله آب

نازگل وقتی بی‌خبر از شوهرش برای تعمیر لوله آب خانه‌شان، یک تعمیرکار خبر کرد، هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که این کار زندگی مشترکش را نابود کند. یوسف وقتی متوجه شد که تعمیرکار لوله در خانه‌شان است، چنان جنجالی به پا کرد که کار این زوج پس از شش ماه زندگی مشترک به دادگاه خانواده بکشد و به این ترتیب یکی دیگر از عجیب‌ترین پرونده‌های طلاق سال رقم بخورد.

# عجیب‌ترین طلاق‌های سال